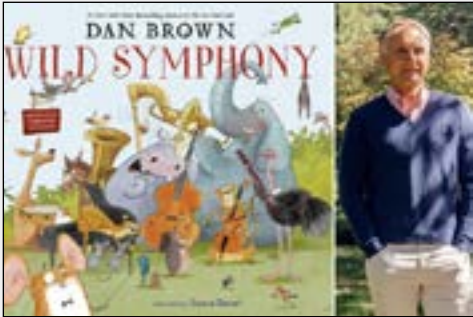


خبر

انتشار کتاب و آلبوم موسیقی کودک خالق «کد داوینچی»

جنبه‌های مختلف دن براون بودن

چطور موسیقی قدیمی از پستو درآمد



بخش فرهنگی – نویسنده «کد داوینچی» به تازگی یکی آلبوم موسیقی کلاسیک برای کودکان منتشر کرد. این یکی از دارایی‌هایی است که او و همسرش در دادگاه طلاق‌شان سر آن مبارزه می‌کنند. به نقل از نیویورک تایمز، از وقتی دن براون رمان‌نویس با «کد داوینچی» معروف شد، به خاطر خطوط داستانی پیچیده و پر از هیجان که در عین حال هوشمندانه هستند و شامل رمزنگاری، نمادشناسی، گروه‌های مذهبی مخفی و خشن و ریاکارانی دیوانه که دنبال قتل و نابودی جمعی رهبر ارکستر است که گروهی از حیوانات را استخدام می‌کند تا در ارکستری بنوازند و در عین حال تمثیل‌هایی درباره ارزش‌های مقاومت، صبر و مشارکت را یادآوری می‌کند. مخاطب هدف این کتاب کودکان بین ۳ تا ۷ سال هستند. این کتاب عنوان «سمفونی وحشی» حدود سه هفته پیش (یکم سپتامبر) همراه یک آلبوم موسیقی کلاسیک برای کودکان با که توسط خود براون ساخته شده منتشر شد. این آلبوم بر پایه آهنگ‌هایی خلق شده که براون حدود ۳۰ سال پیش تهیه کرد. آن موقع او فقط یک موسیقیدان پرارزوی بیست و چند ساله بود و هنوز مدت‌ها مانده بود تا نخستین رمانش را منتشر کند.

آن موقع، براون که حالا ۵۶ ساله است، آهنگ‌ها را با استفاده از سینت‌سایزر در استودیوی کوچکش درست کرد. او حدود ۵۰۰ کاست و کتابچه‌های درست کرد و آن‌ها را در کتاب‌فروشی محله‌شان فروخت. آلبوم جدید شامل نسخه‌های به روز رسانی شده از آهنگ‌های اصلی و آهنگ‌های جدید است که همگی توسط ارکستر سمفونی زاگرب در کراسوی نواخته شده‌اند. این یک حرکت حرفه‌ای غیرمنتظره برای براون است که بیش از این هفت رمان ترکت منتشر کرده و توانسته بیش از ۳۳۴ میلیون نسخه کتاب بفروشد و میلیون شود.

«سمفونی وحشی» همچنین به طور عجیبی در مرکز یک نبرد قانونی بین براون و همسر سابقش بلایت براون قرار دارد. آن‌ها پارسال از یکدیگر طلاق گرفتند. همسر سابق براون در دادخواستی که در تابستان ثبت کرده گفته شوهر سابقش دارایی‌های خود را به غلط ثبت کرده و خارج از ازدواج رابطه داشته است. براون هم علیه همسر سابقش به دلیل دروغ و افترا شکایت کرده و می‌گوید او می‌خواهد در منظر عموم او را شرمسار کند و میرانش را از بین ببرد.

وی گفته است: «هر اشاره یا ادعایی مبنی بر اینکه من دروغ گفتم یا پول پنهان کرده‌ام کاملا دروغ است. در حقیقت کاملا شوکه شدم که او سعی کرده چنین کاری بکند».

براون در خانه‌اش را از بیج واقع در نوهمشایر چند در مخفی پشت کتابخانه و تابلوها دارد. یکی از آن‌ها منتهی به استودیویی می‌شود که در آن یک سینت‌سایزر به کامپیوتر وصل است. پورسه موسیقی او این چنین است: او روی پیانو موسیقی می‌نویسد. ملودی‌های مختلف را امتحان می‌کند و سعی دارد آن‌ها را تبدیل به قطعه‌ای کند که به خاطر می‌سپرد. او آهنگ را روی کیبوردی می‌نوازد که به کامپیوتر وصل است، یک فایل دیجیتال خلق می‌کند و بعد از یک برنامه استفاده می‌کند به او اجازه می‌دهد سازهای دیگر را اضافه کند و خطوط موسیقی را سازه‌های مختلف اِرجاع دهد.

بعد از آن، معمولا موسیقی در گاو صندوق او باقی می‌ماند. اما دو سال پیش، وقتی براون برای تبلیغ برای رمان «منشاه» در سال ۲۰۱۷ به شانگهای رفته بود، یک مجری تلویزیونی از او درباره یک پروژه قدیمی و فراموش شده پرسید. مجری یک کیبی از آلبوم کودکانی را داشت که براون چند دهه پیش ضبط کرده بود.

براون می‌گوید: «مدام می‌فکتم که آدم اینجا اینجا درباره کتاب صحبت کنم.»

اما نا‌ها به سمت موسیقی بازمی‌گشتند.»

بعد از آن، پروژه جدید او خیلی سریع شکل گرفت. براون تعجب کرد که آلبوم کودکانش به این طریق در یک نمایش تلویزیونی چینی دوباره مطرح شده و تا این حد خیرساز شده است. ناشر چین از درخواست کرد آلبوم را منتشر کند و ناشر آمریکایی‌اش هم می‌خواست وارد پروژه شود. به این ترتیب براون از کمک باب لورد تهیه‌کننده و مدیر اجرایی استودیوی پارامور درکودینگز استفاده کرد. او به کراسوی رفت تا با ارکستر زاگرب همکاری کند و تغییرات کوچکی در آهنگ‌ها ایجاد کرد. لورد آشکار کرد که براون آواز هم می‌خواند و گفت: «او واقعا می‌داند دارد چه کار می‌کند. فقط یک سرگرمی نیست، در مرکز پیشین هنری‌اش قرار دارد.» براون خوشحال شد که بوزی اند هاوکس که ناشر موسیقی کلاسیک است، قبول کرد موسیقی او را منتشر کند.

فلوری لور معاون ارشد انتشارات رندوم هاوس که کتاب تصویری کودکان براون را منتشر می‌کند، می‌گوید: «این باعث شد او به عنوان یک موسیقیدان هم تایید شود چون پیش از آن می‌گفت این‌ها فقط آزمایش‌های کوچک من هستند.» رندوم‌هاوس همچنین یک اپلیکیشن موبایل واقعیت افزوده خلق کرده که همراه کتاب مورد استفاده قرار بگیرد و صداهای هر یک از حیوانات را پخش کند.

با وجود اینکه حرکت براون درون دنیای موسیقی ممکن است برای هوادارانش عجیب باشد، او می‌گوید خطوط مشترکی میان موسیقی و نوشته‌های او وجود دارد. او می‌گوید در دیدش آهنگسازی و نوشتن داستان‌های خیالی از تباطی نزدیک دارند.

براون گفت: «برای نوشتن یک آهنگ یا یک قطعه موسیقی کلاسیک، آدم باید ساختار را درک کند. باید تنش و راهی را درک کند. خطوط موسیقایی خوب سولوی می‌پرسند و پاسخی می‌دهند. نمی‌توان پشت سر هم پنج صحنه تعقیب و گریز داشت، همانطور که نمی‌توان پنج فرورتیسیمو پشت سر هم داشت. آدم باید محتوای متصل‌کننده‌ای را داشته باشد که به شونده یا خواننده اجازه نفس کشیدن می‌دهد.»

براون همیشه به موسیقی گرایش داشت. مادرش معلم پیانو و نوازنده ارگ در کلیسا بود و براون هم از سن پایین شروع به نواختن پیانو کرد. او در دوران کودکی عاشق باج، چایکوفسکی و بلا بارتوک بود و وقتی پنج سال داشت شروع به ساختن آهنگ‌های خودش کرد. او در کالج امهرست آهنگسازی و زبان انگلیسی خواند و بعد از فارغ‌التحصیل شدن نمی‌دانست موسیقیدان یا رمان‌نویس شود. به گفته خودش موسیقی ساختن «خیلی جالب‌تر» به نظر می‌رسید. او با هدف خواننده، آهنگساز و پیانیست شدن به لس‌آنجلس نقل مکان کرد و به آکادمی آهنگسازان ملی ملحق شد. در اوایل دهه نود میلادی، او برای آلبومی که به گفته خودش شامل «چیزهای پیانوی معاصر برزگسالان» شبیه التون جان و بیلی جول می‌شد قراردادی بست. او می‌گوید: «آلبومی ساختم که فکر کنم حدود سه نفر آن را خریدند. درست در ابتدای موج دیوانه‌وار رپ بود. زمان‌بندی‌ام افتضاح بود.» او آرزوهای موسیقی خود را رها نکرد و برای کسب روزانه در مدرسه آماندگی بورلی هیلز درس می‌داد. اما وقتی همسر حرفه‌ای کاری‌اش به عنوان خواننده و آهنگساز به جایی نرسید، به نیو همپشایر نقل مکان کرد و معلم انگلیسی شد. در نهایت او به برنامه دوشم یعنی رمان‌نویسی رو آورد و در کنار آن موسیقی می‌ساخت. سال ۱۹۹۸، براون نخستین کتاب خود را با عنوان «کد داوینچیتال» منتشر کرد. بعد از آن «فرشته‌ها و شیاطین» با شخصیت حالا معروف رابرت لنگدون از راه رسید و «نقطه قریب» پروژه بعدی او بود. هر سه کتاب ابتدا فروش ضعیفی داشتند بعد تریلر انفجاری «کد داوینچی» در سال ۲۰۰۳، از راه رسید که بعدها تبدیل به فیلمی با نقش آفرینی تام هنکس در نقش رابرت لنگدون شد. این فیلم ۷۶۰ میلیون دلار در سراسر جهان فروخت و تا امروز کتاب آن بیش از ۸۵ میلیون نسخه فروخته است.

{فرهنگ و هنر }

نتیجه رقابت تلویزیون با خودش

پرتکرارترین سریال‌های تلویزیون در سالیان اخیر

مهسا بهادری

میزان ساخت سریال‌های با کیفیت صدا و سیما کاهش یافته است و این سازمان برای جذب مخاطب مجبور است به سراغ سریال‌های قدیمی برود.

سال پایانی دهه ۹۰ را سپری می‌کنیم. مسلماً نیازها، سبک زندگی، حتی ظاهر جامعه و افراد آن با تغییرات بسیاری نسبت به دهه شصت و هفتاد همراه بوده‌اند. تلویزیون و برنامه‌هایش هم از این قاعده مستثنا نیستند و شکل و شمایل برنامه‌ها و سریال‌های این رسانه هم تغییرات خود را داشته است.

تلویزیون برنامه سازی مناسبیتی، به شیوه کنونی را، پایان دهه هفتاد آغاز کرد؛ سریال‌های که ابتدا اپیزودیک بودند و بعد با رویکرد متفاوت به آثار قصه گویی تبدیل شدند که عمدتاً ماجراهای شان در خلال ایام مناسبتی رخ می‌داد؛

همزمان شبکه‌های یک، دوه، سه و پنج سریال‌های روئین شبانه را نیز به برنامه‌های خود اضافه کردند.

البته که یکی از وظایف اصلی و اساسی تلویزیون سرگرم کردن مخاطبان است، به همین منظور صدا و سیما برای جذب مخاطب یا سریال می‌سازد و یا سریال‌های ساخته شده توسط دیگر کشورها را پخش می‌کند تا مخاطب خود را پای تلویزیون بنشانند تلویزیون در گذشته در ساخت این سریال‌ها به قدری قوی ظاهر می‌شد، که بیننده می‌توانست برای دیدن قسمت بعدی سریال لحظه‌شماری کند و دلش نمی‌خواست دیدن بخشی از آن را هم از دست بدهد. این جذابیت به قدری بود که حتی تا سالیان بعد هم برخی از آن سریال‌ها طرفدار داشتند. اما حالا طرفداران سریال‌های قدیمی بیشتر از برخی از سریال‌های جدید است به همین خاطر تلویزیون مانند قبل دست به دامان سریال‌های تکراری شده است.

استقبال از سریال‌های قدیمی از ضعف بهرات‌هایی ناشی می‌شود که مخاطب تنها با دیدن چند قسمت از آنها به ضعفی که در برنامه موجود است پی می‌برد و از دنبال کردن باقی قسمت‌های آن منصرف می‌شود. از طرفی حضور بازیگران چهره که یکی دیگر از عوامل جذب مخاطب است در این سریال‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

همه این مسائل در کنار هم باعث شده که بازار پخش سریال‌های تکراری قدیمی داغ شود و صدا و سیما که خود متوجه کاستی‌هایش شده به این سریال‌های تکراری پناه ببرد. از طرفی مخاطب تلویزیونی که از دیدن سریال‌های ضعیف خسته شده، ترجیح می‌دهد که پای سریال‌های تکراری شبکه‌های آی فیلم، نسیم و تماشا بنشیند و اوقات فراغتش را با دیدن سریال‌های تکراری بگذراند که محتوا و کیفیت بهتری دارند.

البته طبق نظرسنجی‌های سازمان صدا و سیما همین سریال‌های تکراری همچنان جزو پر بیننده‌ترین سریال‌ها هستند که با وجود این تکرار‌های مختلف همچنان بیننده‌های خودشان را دارند و می‌توانند مخاطب را تا پایان سریال پای تلویزیون میخکوب کنند این در حالی است که در این رقابت سریال‌های دهه ۹۰ از سریال‌های دهه ۸۰ جا مانده‌اند.

عده زیادی از مخاطبان هم از تلویزیون گله‌مندند که چرا باید سریال‌ها را چندباره ببینند. در میان این سریال‌ها برخی رکورددار تکرار هستند و تلویزیون آقندر دوستشان دارد که هر بار با بهانه و بی‌بهانه آنها را پخش می‌کند. در میان سریال‌های پر تکرار ۱۰ سریال هستند که بیش از بقیه سریال‌ها مورد توجه قرار گرفتند. در ادامه گزارش به بررسی این سریال‌ها می‌پردازیم.
«شب دهم» یکی دیگر از سریال های ماندگار دهه ۸۰ سریال شب دهم به کارگردانی حسن فتحی است که سال ۸۱ از شبکه یک سیما پخش شد و توانست با نظرات مثبتی از سوی بیننده‌ها مواجه شود و از آن سال تا کنون هر سال یکی از شبکه‌های تلویزیون به دلیل ماه محرم این سریال را روی آنتن می‌برد.

«شب دهم» داستان دگرگون شدن یک جوان عاشق پیشه با اجرای تعزیه است که با بازی بازیگرانی چون حسین یاری، کتایون ریاحی، ثریا قاسمی و رویا تیموریان ماندگار شد.

درخشش مدیری در دهه ۸۰

سریال «پاورچین» کاری از مه‌ران مدیری در سال‌های ۸۱ و ۸۲ است که در شبکه پنج سیما روی آنتن رفت و از آن به عنوان یکی از ماندگارترین سریال‌های مه‌ران مدیری در تلویزیون یاد می‌شود، سریالی که ضمن طنز بودن آن سالیان سال است که شبکه‌های مختلف تلویزیون آن را پخش می‌کند.

«پاورچین» مه‌ران مدیری داستان فرهاد بره است که به تهران آمده و پس از ازدواج در یک شرکت ساختمانی مشغول به کار شده است. بازی بازیگرانی چون مه‌ران مدیری، سحر زکریا، جواد رضویان، شقایق دهقان، سحر ولدیبیگی و سیامک انصاری این سریال را که ایده‌ای نو در زمینه سریال طنز بود را بسیار ماندگار کرد.

محبوبیت «پاورچین» به قدری زیاد بود که چندسال بعد مه‌ران مدیری کارگردان این مجموعه سریال «شبه‌های بره» نیز در ادامه فضای آن ساخت تا این بار به جای نقل قول از روستای عجیب و غریب بره به دل روستا برود.

اولین طنز موفق عطاران در دهه ۸۰

پس از مه‌ران مدیری یکی از پرکارترین و ماندگارترین چهره‌ها در عرصه کارگردانی در دهه ۸۰، رضا عطاران بود. کسی که تقریباً سالی یک از طنز از خود به جای می‌گذاشت و مخاطب را وادار می‌کرد تا پای تلویزیون بنشیند. یکی از سریال‌های ماندگار این کارگردان که خودش هم در آن ایفای نقش کرده بود، سریال «خانه به دوش» بود.

سریال «خانه به دوش» از آن دسته از سریال‌هایی است که بسیاری از مردم با آن خاطره دارند و با وجود چندین بار پخش از شبکه‌های مختلف باز هم مخاطبان خاص خودش را دارد.

«خانه به دوش» داستان آقا ماشالله است که بعد از مشکلات مالی فراوان تصمیم جدیدی در زندگی‌اش می‌گیرد و با وعده سفر به مالزی پولی را به آقای بیات می‌دهد که در نهایت متوجه می‌شود که کلاه برداری بوده و این ماجرا داستان این سریال را با شکل می‌دهد.

حمید لولایی، مریم امیر جلالی، علی صادقی، رضا عطاران، آناهیتا همتی، نگین اوشازنه، غلامحسین لطفی، په‌نوش بختیاری، فلور نظری و خشیایار راد بازیگران اصلی این سریال هستند. با اینکه عطاران سریال‌های ماه رمضان دیگری نیز با گروهش ساخته است اما هیچ‌کدام نتوانستند به محبوبیت و پرتکراری «خانه به دوش» باشند.

تلاش پی در پی عطاران برای جذب مخاطب

سعید آقاخانی و رضا عطاران یکی از قوی‌ترین زوج‌های تلویزیونی ایران هستند که اوج خلاقیت و توانایی‌هایشان را در سریال «منتهم گریخت» به نمایش گذاشتند. این سریال یک سال پس از موفقیت باورنکردنی «خانه به دوش» یعنی در سال ۸۴ در کنداکتور ماه رمضان شبکه سه صدا و سیما قرار گرفت، با ۲۶ قسمت به‌یادماندنی به یکی از محبوب‌ترین سریال‌های کمدی تلویزیون تبدیل شد. شاید به یادماندنی‌ترین هنرنمایی هرچم سربوس گرجستانی در سریال «منتهم گریخت» بود. جایی که او در نقش هاشم آقا مجبور می‌شود با خانواده‌اش به تهران مهاجرت کند. داستان مهاجرت خانواده هاشم آقا به تهران، مجموعه‌ای جذاب از اتفاقات ریز و درشت را رقم می‌زند. عطاران پس از این سریال که همیشه شایعاتی پیرامون نویسندگی فیلم‌نامه‌اش توسط اصغر فرهادی مطرح بوده سریال‌های «ترش و شیرین» و «بزنگاه» را هم برای تلویزیون کارگردانی کرد اما در نهایت تصمیم گرفت با تلویزیون خداحافظی کند.

«یوسف پیامبر» و استقبال از آن

یکی دیگر از سریال‌هایی که به سبب تکرار زیاد آن از شبکه‌های مختلف طی سال‌های گذشته دستمایه شوخی در فضای مجازی قرار گرفته است سریال «یوسف پیامبر» با کارگردانی فرح الهه سلحشور است که می‌توان آن را به عنوان یکی از محبوب‌ترین و پربیننده‌ترین سریال‌های دهه ۸۰ معرفی کرد. این سریال اولین بار در سال ۸۷ از شبکه یک سیما پخش شد و با اینکه تا به حال بارها و بارها از شبکه‌های مختلف به نمایش درآمده است اما هنوز هم می‌توان به عنوان پر مخاطب‌ترین سریال تلویزیون از آن یاد کرد.

این سریال تاریخی مذهبی با داستانی از زندگی حضرت یوسف پیامبر (ع) و بازی مصطفی زمانی حسایی در دل مخاطبان جا باز کرد و با بازی بازیگرانی چون محمود پاک‌نیت، کتایون ریاحی، جعفر دهقان، عباس امیری، جهانبخش سلطانی، رحیم نوروزی، مهوش صبر کن، الهام حمیدی ماندگار شد.

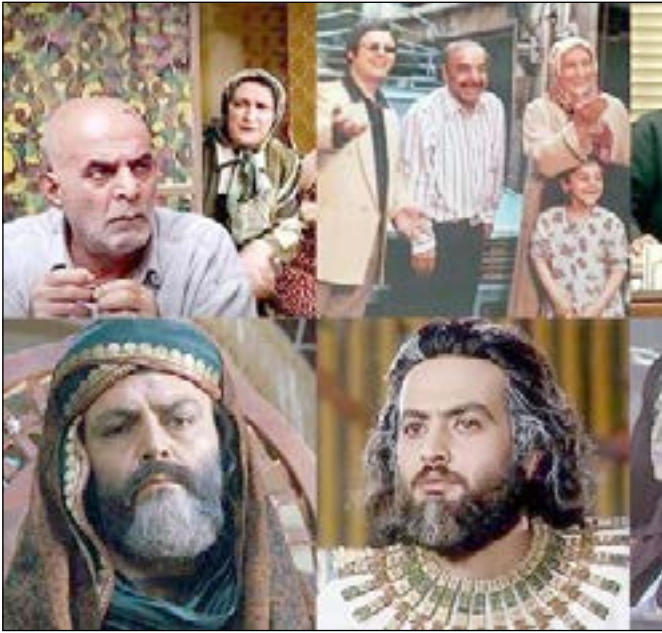
{فرهنگ و هنر }

نتیجه رقابت تلویزیون با خودش

پرتکرارترین سریال تلویزیون

بی‌شک «مختارنامه» داود میرباقری پرتکرارترین سریالی است که از تلویزیون پخش شده‌است. این سریال از جمعه ۹ مهر ۱۳۸۹ پخش آن آغاز شد و هر بار در ایام مختلف به خصوص محرم و صفر با تدوین‌های مختلف و در موضوعات مختلف پخش شد.

به طور کلی می‌توان با قطعیت گفت که این سریال محبوب هرساله در یکی از شبکه‌های تلویزیون برای مخاطبان تکرار می‌شود و اینطور که پیداست تا سالهای آینده نیز قرار است جور بخوش عظیمی از زمان آنتن تلویزیون را در ایام محرم و صفر به دوش بکشد. هرچند که این سریال امسال برای یازدهمین بار از تلویزیون پخش شد، اما توانست مخاطبان را بازهم پای تلویزیون بنشاند.



مختارنامه یکی از ماندگارترین سریال های مذهبی و تاریخی تلویزیون است که سال ۸۹ به کارگردانی داوود میرباقری از شبکه یک سیما پخش شد و با روایتی از داستان پیرامون زندگی و قیام مختار ثقفی و خونخواهی امام حسین (ع) توانست مورد توجه مخاطبان زیادی واقع شود. پس از این اثر دیگر هیچ سریالی با این موضوع ساخته نشد و همین موضوع سبب شد تا «مختارنامه» به تنهایی بار این مسئولیت را به دوش بکشد و مخاطب را پای تلویزیون بنشاند.

درخشش حمید لولایی و مجید صالحی

دهه ۸۰ دوره هنرنمایی عطاران در تلویزیون بود، کارگردانی که با ساخت «ترش و شیرین» در سال ۱۳۸۶ یاز هم خنده را روی لب مخاطبان آورد و به قدری مورد پسند مخاطبان واقع شد که حتی پس از بازپخش‌های مداوم از تلویزیون بازهم در نظر سنجی که صدا و سیما در سال ۱۳۹۲ برگزار کرد رتبه بین یک تا سه را از آن خود کرد. مریم امیر جلالی، حمید لولایی، مجید صالحی، آناهیتا همتی و شهره سلطانی نیز از بازیگران این سریال هستند.

«بزنگاه» و هتک حرمت

سریال «بزنگاه» در ماه رمضان سال ۸۷ به کارگردانی رضا عطاران روی آنتن شبکه سه سیما رفت. این مجموعه، داستان مردی معتاد به نام نادر (رضا عطاران) است که به همراه دخترش درسا (نیکی نصیریان) در کرج زندگی می‌کند و از همسرش مریم (فریده فرامرزی) طلاق گرفته‌است. پس از فوت پدرش اوس احمد (احمد پورمخیر)، او و برادرش صابر (حمید لولایی)، خواهرش بهجت (مرجان گلچین)، و شوهر خواهرش توفیق (غلامرضا نیکخواه) بر سر تقسیم ارث و میراث پدری که یک خانه و یک ناولی است به اختلاف برمی‌خورند.

این سریال درست در زمانی روی آنتن رفت که آثار رضا عطاران با استقبال بالایی مواجه بود ولی شورای نظارت بر سازمان صداوسیما طی نامه‌ای از سازمان صداوسیما خواست پخش سریال متوقف شود. این شورا، برخی هتک حرمت‌ها در سریال را از صدادیقی نام برده بود که پخش سریال باید متوقف می‌شد، اما پخش سریال متوقف نشد و تلویزیون با سانسور بخش‌هایی پخش کار را ادامه داد و صدا و سیما هنوز هم برای جذب مخاطب خود از این برنامه استفاده می‌کند. به طور مثال در خرداد که دست تلویزیون خالی بود پای این سریال به شبکه آی فیلم باز شد تا بازهم یک سریال تکراری، حرفی برای گفتن داشته باشد.

اما اگر بخواهیم سریال‌های طنز و مذهبی دهه ۸۰ را کنار بگذاریم، سریال‌های تاریخی قوی و خوش ساختی مانند «مدار سفر درجه» نیز وجود دارد که مانند «مختار نامه» مناسبیتی است و تقریباً هر سال در دهه فجر روی آنتن یکی از شبکه‌های تلویزیون می‌رود.

درخشش حسن فتحی در دهه ۸۰

«مدار صفر درجه» به‌نویسندگی و کارگردانی حسن فتحی، از دیگر درام‌های تلویزیونی ایران است که طی بازپخش‌های مکرر صدا و سیما نه تنها جز پربیننده‌ترین سریال‌ها شناخته شدند، بلکه کاربران آی‌ام‌دی‌پی نیز آن را پسندیده‌اند. این سریال از اردیبهشت ۸۶ روی آنتن شبکه یک رفت و به لطف فیلمنامه و داستانش، کارگردانی دقیق و خوب و بازی جذاب نقش‌آفرینانش، پُربیننده شد.

داستان سریال، ماجرای سفر دانشجویی ایرانی به نام حبیب پارسا (شهاب حسینی) به فرانسه است که با جنگ جهانی دوم هم‌زمان می‌شود. او در دانشگاه، با دختری یهودی به نام سارا استروتاک (ناتالی متی) آشنا می‌شود. با فتح پاریس توسط ارتش آلمان، جان یهودیان از جمله سارا به خطر می‌افتد و پارسا به او و مادرش کمک می‌کند تا فرانسه را ترک کنند. درگیری با صهیونیست‌ها که می‌خواهند از موقعیت استفاده کنند و با انجام ترور و ایجاد وحشت، تلاش دارند یهودیان را برای سفر به فلسطین راضی کنند، بخشی عمده از داستان این سریال است. شهاب حسینی، ناتالی متی، رویا تیموریان ،مسعود رایگان، لعیا زنگنه، آتفه فقیه‌نصیری، پیام دهکردی، ایرج راد و … از جمله بازیگران این سریال هستند.

«در چشم باد» و روایت سه دوره تاریخی

«در چشم باد» نز یکی دیگر از آن سریال‌های تاریخی است که اولین بار در سال ۱۳۸۸ با تهیه‌کنندگی و کارگردانی مسعود جعفری جوزانی روی آنتن شبکه یک رفت. «در چشم باد» قصه زندگی خانوادگی است که رویدادهای و لحظات تلخ و شیرین زندگی‌شان از دوره قیام میرزا کوچ خان جنگلی تا آزادسازی خرمشهر در آن به تصویر کشیده می‌شود، قصه از زمانی آغاز می‌شود که میرزا کوچک خان جنگلی، در گیلان اعلام جمهوری می‌کند و با این اقدام دوران پر حادثه تاریخ معاصر ایران آغاز می‌شود که سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی را بازگو می‌کند.

اردیبهشت سال ۹۸ بود که شبکه چهار سیما «در چشم باد» را برای بار چندم پخش کرد و نکته جالب توجه درباره این سریال این است که با وجود اینکه از شبکه چهار سیما پخش شد، اما بازهم جز پر مخاطب‌ترین سریال در نظر سنجی صدا و سیما شناخته شد.

چرا این مجموعه‌ها ماندگار شدند؟

دلایل بسیاری را برای ماندگاری و تأثیرگذاری آثار یاد شده می‌توان نام برد؛ ازجمله روایت درست و منسجم، بازی‌های حساب شده بازیگران، پایان‌بندی مناسب و همذات‌پنداری با مخاطب، به‌کارگیری خلاقیت، احترام به نیاز و سلیقه مخاطب و دور نشدن از واقعیت‌های جامعه. اما حالا پس از گذشت چندین سال از ساخت چنین سریال‌های تلویزیونی طنز، مذهبی و تاریخی دیگر صدا و سیما رنگ چنین آثار فاخر و ماندگاری را به خود ندیده است و کارگردانی مانند مه‌ران مدیری، حسن فتحی یا طور کامل از تلویزیون فراموش و در مדיاهای دیگر به فیلمسازی مشغول شده‌اند. حتی فضای خالی بازیگرانی چون مریم امیر جلالی، حمید لولایی، آناهیتا همتی و چندین هنرمند دیگر به چشم می‌خورد و نبود چنین افراد با سابقه‌ای در عرصه تصویر منجر به افت سریال‌ها می‌شود تا جایی که تلویزیون دیگر توان ساخت سریال‌های جذابی مانند دهه گذشته را ندارد و برای جذب مخاطب مجبور است به آنچه که پیش‌تر تولید کرده است بسندد کند.

هرچند که مدیران صدا و سیما وعده داده‌اند که هیچگاه نمی‌گذارند آنتن تلویزیون خالی بماند اما اگر وضعیت حوال حاضر را با دهه گذشته مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که آنچه حائز اهمیت است کیفیت سریال و سریال سازی است نه کمیت آن.

خبر

بیانکا ماریا اسکارچا درگذشت



بخش فرهنگی – پروفیسور بیانکا ماریا اسکارچا اسلام شناس و ایران شناس ایتالیایی درگذشت.

خانم اسکارچیا در سال ۱۹۳۸ در ایتالیا متولد شد. او استاد بازنشسته اسلام‌شناسی دانشگاه سپینزا (EPIENZA) در شهر رم و عضو هیأت تحریریه نشریه جئوپولیتیکا (GEOPOLITICA) است. او جزو نویسندگان کتاب تاریخ ایران کمبریج بود.

بیانکا سال‌ها در حوزه‌های تخصصی اسلام‌شناسی در شاخه اسلام سیاسی و به طور خاص، شیعه‌شناسی کار کرده بود و یکی از مهم‌ترین و بزرگترین شیعه‌شناس ایتالیایی محسوب می‌شود.

او چندسال روی امامزاده‌های زن در ایران و جهان تشیع تحقیقی را آغاز کرد. او در این پروژه سعی داشت ارج و احترام زن در اسلام بالاخص در مکتب شیعه را در سیر تاریخ نشان دهد. همسر بیانکا ماریا اسکارچا، پروفیسور جان روبرتو اسکارچا نیز یکی از ایران‌شناسان به نام ایتالیایی به شمار می‌رود. او در جامعه علمی ایتالیا به عنوان متخصص زبان و ادبیات پارسی، تاریخ تمدن اسلامی، ادیان ایران و آسیای مرکزی و حقوق اسلامی شناخته شده است. تألیف بیش از ۲۸۶ کتاب ترجمه گزیده‌ای از غزلیات حافظ در سال ۲۰۰۵ از دیگر فعالیت‌های او به شمار می‌رود. او به خاطر ترجمه حافظ جایزه ملی وزارت میراث و فعالیت‌های فرهنگی ایتالیا در سال ۲۰۰۵ را از آن خود کرد. چندسال پیش خانم بیانکا به دعوت مرکز فرهنگی شهر کتاب به ایران سفر کرد و در تهران و شیراز حضور داشت. مرکز فرهنگی شهر کتاب درگذشت بیانکا ماریا اسکارچا را تسلیت گفت.

پشیمانی سعید راد از بازی «در سریال «دل»

بخش فرهنگی – سعید راد بازیگر سینما و تلویزیون از حضور در سریال «دل» ابراز پشیمانی کرد و گفت: هیچ وقت این سریال را دنبال نکردم.

سعید راد« که همان تلفنی یک برنامه رادیویی در رادیو تهران بود، در پاسخ به سوال مجری برنامه راجع به حضور در سریال دل به کارگردانی «منوچهر هادی» گفت: می‌خواستم بازی در سریال‌های خانگی را تجربه کنم نمی‌خواهم بگویم کاش نمی‌کردم چون دیر با زود این اتفاق می‌افتد. اما این کار راضی‌کننده نبود، چون سناریو را کامل خواننده بومد و ۱۰ صفحه، ۱۰ صفحه در اختیار من قرار می‌دادند، حتی زمانی منورده پیش آمد به من گفتند سناریو را می‌خواندی؟ من راضی نیستم چون برای این نقش‌ها ساخته نشدم. این سینمایی که کار می‌کردم، سنمایی ۳۵ میلیمتری از بین رفته است.

وی همچنین در پاسخ به این سوال که پدر خانواده چطور یکباره بعد از مدتی که در کما بوده، یکباره به هوش می‌آید و تازه همه را هم می‌زند، آیا به چنین مسائلی اعتراض نکردید؟ عنوان داشت: اصلا مسئله اعتراض نیست. این اشتباهی بود که من کرده‌ام و پای آن ایستاده‌ام. تا آخر کارم را تمام کرد، چون علت ندارم کاری را قبول نمی‌ان و آن را به حال خودش رها کنم. تجربه‌ای بود که برای من جالب نبود و امیدوارم هیچ‌وقت دیگر تکرار نشود.

سعید راد همچنین گفت که خودش این سریال را در زمان پخش دنبال نکرده و در این باره توضیح داد: این کار را دنبال نکردم، برای اینکه می‌دانستم چه خبر است. مطمئناً اذیت می‌شدم. من جلسه هفتم و هشتم فیلمبرداری، فهمیدم اما چون تعهد داده بودم باید ادامه می‌دادم. سعی کردم فضایی باشد گروه اذیت نشود. من همیشه که چیزی را گفتم آدم‌هایی که فکر می‌کنند کارهای بزرگ می‌کنند خودشان باید بزرگ شوند و بزرگ فکر کنند، اگر نمی‌توانند بزرگ فکر کنند حتما نمی‌توانند کارهای بزرگ انجام دهند. وی افزود: سینمایی ما و نمایش‌خانگی همین است! بلشبویی است که همه از هم دفاع می‌کنند. کارگردان چیزهایی می‌گوید که من تا به حال نشنیدم و دفاع‌هایی می‌کنند که قابل تأمل است. فضای‌مجازی در این میان، همه را هدف قرار می‌دهد. مردم به خودشان حق می‌دهند هر نوع توهین و تشویق بی‌موردی را داشته باشند. وی با بیان اینکه ما چه بخوایم و چه نخواهیم در این چند سال گذشته با جذب سریال‌های ترکیه‌ای و خارج از کشور کرده‌ایم؟ هیچ‌کسی هم مقصر نیست، تصریح کرد: فقط تعجب می‌کنم چرا تلویزیون با این مدیران لایق و بودجه‌های خوب، این چیزها را درست می‌کند که جذاب نیستند. مردم به طرف چیزهایی می‌روند که شا و یکسری چیزهایی ببینند که زندگی را به‌قول امروز‌ها به سمت لا‌کچری‌بازی ببرد. در انتخاب بازیگران آقندر اشتباه می‌کنند که چهره حامد بهداد و ساره بیات برای اینطور نقش‌ها ساخته نشده‌اند، چون آقندر افسرده، غمبار و سن بالا هستند. راد در پاسخ به این سوال که اعتراض نداشته‌اید؟ تصریح کرد: اعتراض کردم اما دیدم که من باشم یا نباشم فرقی نمی‌کند. صورت‌شان شاد نیست برای عشق و عاشقی که مردم همذات‌پنداری کنند! حامد بهداد بازیگر فوق‌العاده‌ای است و ضد قهرمان خوبی است. اما مگر من خودم در نقش پدر چه کاری می‌توانستم بکنم؟ اوایل قدری خواستم با طرح و اصول خودم پیش بروم اما دیدم فضا این طوری نیست. می‌خواهند زود بگیرند و تمام کنند؛ ۲۰ قسمت را ۳۰ قسمت و ۳۰ قسمت را ۴۰ قسمت کنند و حتی یک مقدار جا داشت حتی ۵۰ قسمت هم سریال را درمی‌آورند. چون مردم مهم نیستند و می‌خواهند تجارت کنند.

وی در پایان گفت: من این شناخت را دارم که بگویم اشتباه کردم و سعی میکنم دیگر این کار را نکنم. چون من هم که ۷۰ فیلم پشتم است، دارم به مخاطب توهین می‌کنم و این قشنگ نیست.